



بررسی رابطه بین خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران

در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۶

مرضیه طاهری^۱

چکیده:

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران است بدین منظوراز بین دانش‌آموزان دختر دوره دبیرستان شهر تهران بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه، ۳۰۰ دانش‌آموزبا استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب گردید.جهت اندازه‌گیری داده‌ها از سه ابزار عمده، پرسشنامه یادگیری خودتنظیمی (صلاحیت میان برنامه‌ای)، پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس و معدل نیمسال اول سال تحصیلی دانش‌آموزان برای اندازه‌گیری عملکرد تحصیلی استفاده گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بین خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دخترمقطع متوسطه شهر تهران رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

واژگان کلیدی: خودتنظیمی، پیشرفت تحصیلی، دانش‌آموزان، مقطع متوسطه، شهر تهران

مقدمه:

همیشه سؤالاتی پیرامون این موضوع ذهن بشر را به خود مشغول داشته است. که چگونه می‌توان حداکثر یادگیری را در یادگیرندگان ایجاد کرد؟ بهبود وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان یکی از اهداف اساسی نظام‌های آموزش و پرورش معاصر است. از حدود یک قرن گذشته و با پدیدآیی رشته‌های تخصصی علوم تربیتی و روانشناسی تربیتی، مطالعه پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و عوامل مرتبط با آن بخش بر جسته‌ای از پژوهش‌های متخصصان این دو رشته را تشکیل می‌دهد.



یکی از دستاوردهای مهم تحقیقات و پژوهشهای انجام گرفته بر موضوع یادگیری می توان به مبحث یادگیری خود تنظیم اشاره کرد. اصطلاح خودتنظیمی از سال ۱۹۸۰ معمول شده است و زیمرمن (۱۹۸۶) آن را میزان تلاش فعالانه‌ای که افراد به طور فراشناختی، انگیزشی و رفتاری در فعالیتهای یادگیری از خود نشان می دهند تعریف می کند. در این نوع یادگیری، یادگیرندگان کنترل شخصی بر روند یادگیری خود دارند، و علاوه بر سرعت و دقت بیشتر در یادگیری، مسائلی نظیر اتکاء به نفس بالاتر، خودکارآمدی و مسئولیت پذیری بیشتری نیز در آنان دیده میشود. (صفاریان طوسی، ۱۳۷۵).

همچنین روانشناسان تربیتی معتقدند که چنانچه دانش آموزان بتوانند در جهت یادگیری موثرتر، فرایندهای خود تنظیمی را به کار گیرند، همه آنها می توانند یادگیرندگانی هوشمند شوند. یادگیرندگانی که در طول دوره آموزشی خود هم به پیشرفت بالاتری دست می یابند و هم برای یادگیری مادام‌العمر آماده می گردند، بنابراین یکی از مولفه های تاثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی، استفاده از راهبردهای خودتنظیمی است.

از آنجائیکه اطلاع از نحوه درست به کارگیری و ارتقاء هر کدام از این دو متغیر یعنی خود تنظیمی و پیشرفت تحصیلی در بین یادگیرندگان باعث می شود که آنها بهتر بتوانند شرایط تحصیلی خود را بهبود بخشند، و با پشتکار بیشتر بر روند یادگیری خود، نظارت کنترل و ارزیابی داشته باشند که در نهایت رشد و پیشرفت تحصیلی شان را به همراه می آورد.

از سوی دیگر، محققان بسیاری رابطه بین این دو متغیر را مورد بررسی قرار داده اند از جمله محمد یاری (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی رابطه انگیزش پیشرفت تحصیلی و راهبردهای یادگیری خود نظم بخش با کارآمدی شخصی تصویری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر سال سوم دبیرستان پرداخت نتایج این تحقیق نشان داد که بین یادگیری خود نظم یافته و کارآمدی شخصی تصویری عمومی و انگیزش پیشرفت تحصیلی رابطه معنا داری وجود دارد. همچنین یادگیری خود نظم یافته و انگیزی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با پیشرفت تحصیلی آنان همبستگی معناداری دارد و این دو متغیر می توانند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی کنند.



صفاریان طوسی (۱۳۷۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بین راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان پسر سال سوم راهنمایی پرداخت که نتایج بدست آمده در این تحقیق نشان داد که بین یادگیری خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی ارتباط معنی داری وجود دارد.

شهریار امینی (۱۳۸۲) در پژوهشی به بررسی نقش خود کارآمدی، خود تنظیمی و عزت نفس در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان پرداخت که نتایج به دست آمده در این تحقیق نشان داد که در کل نمونه، هر سه متغیر خود کارآمدی، خود تنظیمی و عزت نفسی با پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت معناداری دارد.

ناصر نوشادی (۱۳۸۵) نیز در پژوهشی به بررسی رابطه بین جهت گیری هدف با خود تنظیمی، یادگیری پیشرفت تحصیلی و رضایت از تحصیل در دانش‌آموزان دختر و پسر دوره های پیش دانشگاهی پرداخت و نتایج نشان داد که تحلیل رگرسیون نشان دهنده قدرت پیش بینی کننده مثبت و معنادار جهت گیری هدف یادگیری با خود تنظیمی یادگیری، پیشرفت تحصیلی در کل گروه مورد پژوهش و در تمامی رشته های تحصیلی داشته است.

نکویی (۱۳۷۷) در تحقیق خود به بررسی رابطه خلاقیت، باورهای انگیزشی، راهبردهای یادگیری خودتنظیم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان پسر پرداخت. نتایج نشان داد که خودنظم دهی در پیشرفت تحصیلی آنان موثر بوده است (به نقل از دلیلی، ۱۳۸۵).

کاماهالان (۲۰۰۳) در تحقیقی به بررسی میزان اثر یادگیری خودتنظیمی بر پیشرفت ریاضی در ۶۰ دانش‌آموز انتخابی در جنوب آسیا پرداخته است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که وقتی دانش‌آموزان فرصت هایی برای خودتنظیمی بدست می آورند، پیشرفت تحصیلی آنها به نحو مطلوبی افزایش می یابد.

اشر و پاچارز (۲۰۰۶) در تحقیقی که به بررسی نقش باورهای دانش‌آموزان در خصوص دارا بودن راهبردهای یادگیری خودتنظیمی بر موفقیت تحصیلی و انگیزش دانش‌آموزان نقش برجسته ای دارد.

حال از آنجایی که استفاده از راهبردهای خودتنظیمی در یادگیری باعث افزایش پیشرفت تحصیلی می گردد لذا مطالعه هر یک از این متغیرها از اهمیت خاصی برخوردار است زیرا با کسب اطلاعات کافی در این زمینه می توان برنامه های آموزشی مناسبی برای دانش‌آموزان طراحی کرد و زمینه را برای افزایش عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان فراهم نمود. از این رو در پژوهش حاضر سعی شده است تا با توجه به مطالب مذکور، رابطه خود تنظیمی با



پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر تهران مورد بررسی قرار بگیرد به این امید که بتوانیم

دانش‌آموزان را برای استفاده از راهبردهای خود تنظیمی و بالا بردن پیشرفت تحصیلی آنان یاری نمائیم

ازسوی دیگر نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به لحاظ کاربردی برای کلیه نظام‌های آموزشی مانند: آموزش و

پرورش، مراکز آموزش عالی بویژه مراکز تربیت معلم و به طور کلی کسانی که تحت تعلیم و تربیت و یا آموزش

قرار می‌گیرند مورد استفاده واقع شود. بنا بر این پژوهش حاضر در پی آزمون فرضیه زیر است:

بین خودتنظیمی و پیشرفت تحصیلی رابطه معناداری وجود دارد.

روش تحقیق آزمودنی‌ها:

طرح پژوهش از پژوهش‌های غیر آزمایشی و از نوع همبستگی است این پژوهش با توجه به ماهیت فرضیه‌ها و

اهداف پژوهش از نوع همبستگی می‌باشد زیرا به مطالعه روابط بین متغیرها می‌پردازد، و محقق هیچ‌گونه دخل و

تصرف و دستکاری در متغیرهای مورد بررسی نداشته و فقط از روی آثار و نتایج آنها میزان ارتباط بین متغیرها را

مورد بررسی قرار داد.

در این پژوهش آزمودنی‌های مورد مطالعه تعداد ۳۰۰ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه شهر تهران می‌باشد که از طریق

نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از تمام مناطق شهر تهران از پایه اول دبیرستان انتخاب گردید. بدین صورت که

ابتدا به طور هدفمند شهر تهران به پنج بخش متفاوت (شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب) انتخاب گردید. در مرحله

بعد از هر یک از بخش‌های منتخب یک منطقه به طور تصادفی انتخاب شد و سپس از هر منطقه یک دبیرستان

دولتی دخترانه به صورت تصادفی انتخاب شد و نهایتاً از هر کدام از مدارس منتخب دو کلاس از پایه اول مورد

ارزیابی قرار گرفت.

ابزارهای اندازه‌گیری:

- پرسشنامه یادگیری خود تنظیمی (صلاحیت میان برنامه‌ای) این پرسشنامه توسط PISA (۲۰۰۰)، با استفاده از

اطلاعات بدست آمده از ۲۲ کشور جهان تهیه گردید، پرسشنامه مذکور یک پرسشنامه مداد و کاغذی است که این

پرسشنامه دارای ۵۲ جمله خبری است. آزمودنی با خواندن هر سؤال به ۲۸ از ۵۲ سؤال بر اساس یک مقیاس

لیکرتی ۴ درجه‌ای (۱ هیچ وقت، ۲ گاهی اوقات، ۳ اکثر اوقات، ۴ همیشه) و از سؤال ۲۹ تا ۵۲ بر مبنای مقیاس



لیکرتی ۴ درجه ای (۱ مخالفم، ۲ تا حدی مخالفم، ۳ تا حدی موافقم، ۴ موافقم) نظر خود را به هر گزینه مشخص می کند، آیتم ۳۳ برعکس سایر آیتم ها نمره گذاری می شود.

پرسشنامه مذکور شامل ۱۴ خرده مقیاس: به خاطر سپاری، شرح و بسط، راهبردهای نظارت، انگیزش ابزاری در ریاضیات، انگیزش ابزاری کلامی، تلاش و پشتکار در یادگیری، یادگیری مشارکتی، یادگیری مقاببتی، انتظار کنترل خودکارآمدی، خود پنداره کلامی، خود پنداره ریاضی و خود پنداره تحصیلی است.

۲- پرسشنامه انگیزش پیشرفت هرمنس (۱۹۷۰) که در بر گیرنده ۲۹ سؤال ۴ گزینه ای به منظور اندازه گیری انگیزش پیشرفت آزمودنیها از میباشد استفاده شد.

هرمنس (۱۹۷۰) ده ویژگی که افراد دارای انگیزش پیشرفت بالا را از افراد دارای انگیزش پیشرفت پائین متمایز می کند به عنوان مبنا و راهنما انتخاب نموده است که عبارتند از:

سطح آرزو، رفتار ریسک کردن، تحرک به طرف بالا، مقاومت تنش تکلیف، ادراک زمان، دیدگاه مربوط به زمان، انتخاب دوست و همکار، رفتار شناسی، رفتار پیشرفت.

نمره گذاری پرسشنامه بدین شکل انجام می شود که سئوالات:

او ۴ و ۹ و ۱۰ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۲۳ و ۲۷ و ۲۸ و ۲۹ به صورت: «الف» ← نمره «۱»، «ب» ← نمره «۲»
«ج» ← نمره «۳»، «د» ← نمره «۴».

و سئوالات ۲ و ۳ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ به صورت زیر نمره گذاری می شوند. «الف» ← نمره «۴»، «ب» ← نمره «۳»، «ج» ← نمره «۲» و «د» ← نمره «۱».

نمرات بالاتر از میانگین نشان دهنده وجود انگیزش پیشرفت بالا در فرد، و نمرات پائین تر از میانگین انگیزش پیشرفت پائین می باشد.

۳- معدل نیمسال اول تحصیلی دانش آموزان

روش تحلیل داده ها. در این پژوهش به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، با استفاده از نرم افزار کامپیوتری SPSS از

روش های آماری زیر استفاده شد:



به منظور توصیف داده ها مانند محاسبه (فراوانی، درصد، میانگین، نمودار و . . .) از آمار توصیفی استفاده شد.
به منظور آزمون فرضیه های پژوهش از آمار استنباطی یعنی تحلیل رگرسیون چند متغیره (روش گام به گام) استفاده شد.

Archive of SID